

اشتراط تحلل: از مستحبات احرام به معنای شرط کردن برای خروج از احرام هنگام پیش آمدن مانع

واژه اشتراط از ریشه «ش - ر - ط» به معنای شرط کردن و التزام به چیزی در عقود مانند عقد بیع است.^۱ واژه تحلل نیز از ریشه «ح - ل - ل» به معنای گشودن، باز کردن گره، وارد شدن و فرود آمدن^۲ است. مقصود از تحلل در اصطلاح، حلال شدن اموری است که با احرام حج و عمره، حرام شده است.^۳ معنای مصطلح اشتراط تحلل که گاه از آن با تعابیر «اشتراط در احرام»^۴ یا «استثناء در حج»^۵ نیز یاد شده، آن است که احرام گزار هنگام احرام بستن برای حج یا عمره با خدا شرط کند که اگر مانعی در اتمام مناسک برایش پدید آید، بتواند از احرام بیرون شود.^۶ این مانع در دیدگاه فقیهان، عام است و اموری از این قبیل را در بر می گیرد: تمام شدن هزینه سفر، نبودن

۱. لسان العرب، ج ۷، ص ۳۲۹؛ تاج العروس، ج ۱۰، ص ۳۰۵؛ «شرط».

۲. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۶۳؛ تاج العروس، ج ۱۴، ص ۱۵۸-۱۵۹؛ «حل».

۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۷؛ ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۷۰۰.

۴. مجمع الفائده، ج ۷، ص ۲۳۳؛ نیل الاوطار، ج ۵، ص ۳۷.

۵. الموطأ، ج ۱، ص ۴۲۵؛ الام، ج ۲، ص ۱۷۲؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۱.

۶. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۲۴۸؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۲.

زیارت شهیدان احد رفته و وصفی از مزار حمزه، عموی پیامبر، به دست داده است. مسجد ذوقبالتین واپسین مکانی است که اشپور به وصف آن پرداخته است.

این سفرنامه در دسامبر ۱۹۹۸م. در ۲۰۰ صفحه به زبان آلمانی، به اهتمام انتشارات اشپور به چاپ رسید. به سال ۱۳۸۲ش. بخش مربوط به اقامت نویسنده در مکه و مدینه با عنوان حدیث نامکرر عشق، به کوشش محمد اخگری همراه مقدمه‌ای درباره پیشینه سفرنامه‌های اروپایی حج، به فارسی ترجمه شده و انتشارات آوینا آن را در ۱۲۷ صفحه منتشر کرده است.

◀ منابع

شرح فصوص الحکم: قیصری (م. ۷۵۱ق.)، به کوشش آشتیانی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش.

<http://www.spohr-publishers.com/>

http://www.focus.de/politik/deutschland/reli-gion-probe-fuer-den-tod-aid_173373.html

Das islamische Jahr: Zeiten und Feste –
By Annemarie Schimmel – München –
C.H.Beck, 2001

سید حمیدرضا نجفی



یا کافی نبودن وقت برای گزاردن مناسک، گم کردن راه^۱، بیماری^۲، وجود دشمن^۳ و جلوگیری ظالم^۴. فروع فقهی این موضوع در باب‌های گوناگون منابع فقهی، از جمله «احرام»، «صدّ و احصار» و «قضای حج» آمده‌اند.

◀ مشروعیت و استحباب اشتراط: به باور فقیهان امامی^۵ که حتی بر آن ادعای اجماع شده^۶، اشتراط تحلل نه تنها مشروع، بلکه مستحب است. پشتوانه استحباب، روایت‌های گوناگون از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام است^۷؛ از جمله حدیث‌هایی چند از امام صادق علیه السلام که اشتراط محرم برای بیرون رفتن از احرام یا تبدیل حج به عمره را در وضع خاص تجویز کرده‌اند.^۸ فقیهان حنبلی نیز اشتراط تحلل را سنت و مستحب شمرده^۹ و بیشتر شافعیان نیز آن را صحیح دانسته‌اند.^{۱۰} از مهم‌ترین پشتوانه‌های فقیهان اهل سنت،

حدیث ضباعه دختر زبیر بن عبدالمطلب است که بر پایه آن، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله چگونگی اشتراط تحلل را به وی آموخت و آن را تجویز کرد.^{۱۱} افزون بر این، برای مشروعیت و استحباب اشتراط، به سخنان و سیره برخی صحابه استناد شده است^{۱۲}؛ از جمله سخنانی از عمر بن خطاب^{۱۳}، عایشه^{۱۴} و عبدالله بن مسعود^{۱۵} در سفارش به اشتراط و چگونگی اجرای آن. همچنین گزارش شده که ام سلمه نیز در حج، به اشتراط امر می‌کرده است.^{۱۶} صحت اشتراط تحلل، از اندکی از حنفیان و مالکیان نیز گزارش شده است.^{۱۷}

در برابر، شماری از صحابه و تابعین از جمله ابن عمر، طاوس و سعید بن جبیر و نیز بیشتر حنفیان و مالکیان و برخی از شافعیان، بیرون رفتن از احرام با شرط را در حج جایز ندانسته‌اند.^{۱۸} از ابوحنیفه نیز گزارش شده که وی بیرون رفتن از احرام را با شرط جایز

۱. المجموع، ج ۸، ص ۳۱۰-۳۱۱؛ الدرر، ج ۱، ص ۴۷۹.
۲. السرائر، ج ۱، ص ۶۴۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰۸-۳۰۹.
۳. المبسوط، ج ۱، ص ۳۳۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۷۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۵.
۴. تذکرة الفقهاء، ج ۸، ص ۳۹۶.
۵. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۳؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۵۸-۲۵۹؛ مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۲۴۰.
۶. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۸۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۰.
۷. نک: وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۳۵۴-۳۵۵.
۸. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۸؛ التهذیب، ج ۵، ص ۸۱-۸۲.
۹. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴.
۱۰. المجموع، ج ۸، ص ۳۱۰؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۴۵.

۱۱. مسند احمد، ج ۶، ص ۱۶۴؛ صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۳.
۱۲. المجموع، ج ۸، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴-۴۷۵.
۱۳. السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۲؛ کنز العمال، ج ۵، ص ۲۷۵.
۱۴. مسند الشافعی، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۳.
۱۵. السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰۹.
۱۶. التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۱۷۶؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۳.
۱۷. نک: مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۴۹۲؛ حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۶۵۰.
۱۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۴؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۱۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۹۲-۲۹۳.

چگونگی گزاردن آن، دیدگاه‌های گوناگون در میان است. بر پایه حدیثی از امام صادق علیه السلام شرط کننده باید هنگام احرام بگوید: خدایا! من بر پایه کتاب تو و سنت پیامبرت قصد انجام عمره تمتع و حج را دارم. پس اگر مانعی برای من پدید آید که مرا از مناسک بازدارد، مرا از احرام بیرون کن و اگر نتوانستم حج را کامل کنم، آن را عمره قرار ده.^۹ در حدیثی دیگر، لفظی کوتاه‌تر یاد شده است.^{۱۰} شماری از فقیهان شیعه به پشتوانه اطلاق حدیث‌های اشتراط و تعبیرهای متفاوت در آن‌ها بر آنند که می‌توان با هر عبارتی که افاده اشتراط کند، شرط کرد، هر چند بهتر است که با الفاظ بیان شده در روایت‌ها صورت پذیرد.^{۱۱}

در حدیث‌های اهل سنت نیز الفاظی همانند برای اشتراط یاد کرده‌اند؛ مانند حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که گزاردن اشتراط را چنین یاد کرده است: خدایا! اگر اجازه دهی، قصد انجام دادن حج دارم. پس مرا کمک کن و آن را بر من آسان گیر و اگر مرا از حج بازداشتی، آن را عمره قرار ده و اگر مرا از گزاردن هر دو بازداشتی، مرا از احرام بیرون کن.^{۱۲} این

۹. نک: الکافی، ج ۴، ص ۳۳۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱۸.

۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۴۵۵؛ التهذیب، ج ۵، ص ۱۶۸.

۱۱. منتهی‌المطلب، ج ۱۰، ص ۲۵۰؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۳.

۱۲. السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۲۲؛ عمدة القاری، ج ۱۰، ص ۱۴۷.

نمی‌دانسته^۱، هر چند اشتراط را مایه سقوط قربانی (در احصار) می‌دانسته است.^۲

دلیل مخالفان صحت اشتراط، سیره پیامبر صلی الله علیه و آله است که در آن هیچ گزارشی درباره اشتراط در حج یا عمره به چشم نمی‌خورد.^۳ نیز گفته‌اند: احرام، همچون نماز و روزه، عبادتی است که به ادله معتبر شرعی واجب شده است و از این رو، اشتراط در آن اثری ندارد.^۴ پیروان این نظر، حدیث ضباعه را حدیثی منسوخ یا ضعیف شمرده^۵ یا گفته‌اند: این حدیث ویژه خود او است و به دیگران تعمیم نمی‌یابد.^۶ برخی نیز گفته‌اند: مقصود از پدید آمدن مانع در این حدیث، مردن شخص محرم است.^۷ ولی این تأویل‌ها را فقیهان اهل سنت، خود، نقد کرده و بر صحت و اعتبار حدیث ضباعه تأکید نموده و گفته‌اند: حدیث‌های دیگر نیز مفاد این حدیث را تأیید می‌کنند.^۸

◀ **چگونگی گزاردن اشتراط:** درباره ضرورت گزاردن اشتراط با لفظ و نیز

۱. فتح‌العزیز، ج ۸، ص ۱۰.

۲. نک: المغنی، ج ۳، ص ۲۴۴.

۳. المجموع، ج ۸، ص ۳۰۹؛ عمدة القاری، ج ۱۰، ص ۱۴۶.

۴. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۴؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۳۴.

۵. صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۱۲۲؛ سبل السلام، ج ۲، ص ۲۱۹.

۶. صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۱۳۲؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۳۴.

۷. نک: المجموع، ج ۸، ص ۳۱۰؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۵۳۴.

۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ صحیح مسلم، نووی، ج ۸، ص ۱۳۲؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰۹.

مضمون با تعبیری همانند در حدیث‌هایی دیگر از پیامبر ﷺ و سخنان صحابه نیز آمده است.^۱ شماری از فقیهان اهل سنت با اشاره به روایت‌های یاد شده، گفته‌اند: مقصود اصلی در اشتراط، افاده معنا است و بیان آن با واژگانی دیگر نیز جایز است.^۲ البته شماری از فقیهان تأکید کرده‌اند که این الفاظ باید معنای اشتراط را برسانند. بر این اساس، اگر شرط‌کننده مثلاً بگوید: «هرگاه خواستم از احرام بیرون می‌روم یا هر جا که حج فاسد شود، قضای آن را به جا نمی‌آورم» اشتراط به شمار نمی‌آید.^۳

نیز فقیهان اختلاف دارند که آیا اشتراط باید لفظی باشد و حتماً سخنی گفته شود یا ذکر قلبی آن کافی است. بیشتر فقیهان امامی بر آنند که تنها نیت قلبی در اشتراط تحلل کافی نیست؛ بلکه تلفظ نیز لازم است؛^۴ زیرا اشتراط، ربط دادن چیزی به چیزی دیگر است و به آشکار کردن نیاز دارد. از این رو، تنها با نیت، این ارتباط حاصل نمی‌گردد.^۵ افزون بر این، در صورت تردید در مؤثر بودن چنین اشتراطی، اصل، مترتب نبودن اثر بر آن و باقی

ماندن احرام است.^۶ برخی پشتوانه این حکم را حدیث‌های اشتراط دانسته‌اند.^۷ در برابر، شماری از فقیهان امامی احتمال داده‌اند که اشتراط در نیت کافی باشد؛ زیرا اشتراط تابع احرام است و همچنان که نیت احرام برای انعقاد آن کافی است، در اشتراط نیز چنین است.^۸ شماری از فقیهان اهل سنت نیز به پشتوانه حدیثی نبوی که به گزاردن اشتراط فرمان داده،^۹ اشتراط لفظی را ضروری دانسته‌اند.^{۱۰} اما شماری دیگر احتمال داده‌اند که نیت اشتراط همچون احرام که نیت در آن کافی است، کفایت کند.^{۱۱}

◀ **هنگام اشتراط:** همه فقیهان باور دارند که اشتراط باید هنگام احرام حج یا عمره صورت گیرد. اما درباره این که آیا اشتراط باید پیش از احرام صورت گیرد یا پس از آن و یا هنگام نیت آن، اختلاف نظر دارند. شماری از فقیهان امامی هنگام اشتراط را پیش از احرام^{۱۲} یا پیش از نیت احرام و پیوسته به آن^{۱۳} شمرده‌اند. بر این اساس، شماری از

۱. صحیح البخاری، ج ۶ ص ۱۲۳؛ صحیح مسلم، ج ۴ ص ۲۶؛ سنن ابی داود، ج ۱ ص ۵۵۱.
 ۲. نک: المغنی، ج ۳ ص ۲۴۵.
 ۳. المجموع، ج ۸ ص ۳۱۷؛ کشف القناع، ج ۲ ص ۴۷۵.
 ۴. تحریر الاحکام، ج ۱ ص ۵۷۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸ ص ۲۸۱.
 ۵. کتاب الحج، ج ۲ ص ۵۱۹؛ مستمسک العروه، ج ۱۱ ص ۳۸۶.

۶. جواهر الکلام، ج ۱۸ ص ۲۸۱.
 ۷. الحدائق، ج ۱۵ ص ۱۰۱؛ مستمسک العروه، ج ۱۱ ص ۲۸۶.
 ۸. منتهی المطلب، ج ۲ ص ۲۵۰؛ ۶۸۰ مجمع الفائدة، ج ۶ ص ۲۴۲.
 ۹. مسند احمد، ج ۶ ص ۳۰۳؛ سنن الدارمی، ج ۲ ص ۳۵.
 ۱۰. کشف القناع، ج ۲ ص ۴۷۵.
 ۱۱. المغنی، ج ۳ ص ۲۴۶.
 ۱۲. الدرر، ج ۱ ص ۳۳۸.
 ۱۳. الروضة البهیة، ج ۲ ص ۲۳۴؛ مسالک الافهام، ج ۲ ص ۲۴۶.

فقیهان ذکر مخصوص اشترای را پس از گزاردن نماز احرام سفارش کرده‌اند.^۱ پشتوانه این نظر، حدیثی از امام صادق علیه السلام است که گزاردن نماز پیش از احرام و سپس خواندن دعایی خاص را سفارش شده که با ذکر اشترای همراه است.^۲ فقیهانی دیگر گفته‌اند: اشترای جزء نیت است و بیرون از آن نیست. از این رو، باید اشترای در میان نیت احرام انجام شود، چنان که قدر متیقن از نص و فتوا همین است.^۳ شماری دیگر نیز بر آنند که اشترای باید پیش از تلبیه^۴ یا میان آن انجام گیرد.^۵ شماری از فقیهان اهل سنت نیز باور دارند که احرام گزار هنگامی که در صدد احرام است، ضمن خواندن دعا باید با خداوند اشترای کند.^۶ شماری دیگر باور دارند که اشترای باید همراه و هم‌زمان با احرام باشد و اشترای، پیش یا پس از احرام منعقد نخواهد شد.^۷

در برخی حدیث‌های نقل شده در منابع اهل سنت، انجام دادن اشترای همراه تلبیه سفارش

شده است.^۸

◀ **آثار اشترای:** اشترای تحلل در دیدگاه فقیهانی که به مشروعیت یا استحباب آن باور دارند، برای احرام گزار آثاری دارد که مهم‌ترین موارد آن‌ها عبارتند از:

▼ **۱. شتاب در تحلل:** به باور بیشتر فقیهان امامی، محرم محصور (کسی که به سبب بیماری از اتمام مناسک حج بازمی‌ماند)^۹ تنها در صورت اشترای می‌تواند در تحلل شتاب کند و پیش از رسیدن قربانی به جایگاه آن، از احرام بیرون شود. ولی اگر وی اشترای نکرده باشد، برای بیرون رفتن از احرام باید صبر کند تا قربانی به منا یا مکه برسد.^{۱۰} پشتوانه این نظر روایات است؛ مانند حدیثی از امام صادق علیه السلام^{۱۱} که بیرون رفتن امام حسین علیه السلام از احرام را به سبب بیماری وی گزارش نموده و فقیهان آن را به اشترای معنا کرده‌اند.^{۱۲} در برابر، شماری از فقیهان امامی، شتاب در تحلل را از آثار اشترای ندانسته و گفته‌اند: در صورت اشترای نکردن نیز شخص محصور از احرام بیرون می‌شود.^{۱۳} پشتوانه آن‌ها حدیثی است که از

۱. المبسوط، ج ۱، ص ۳۱۵؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۱.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲ ص ۳۱۸.

۳. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۷۰؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۸۰-۲۸۱.

۴. مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۲۴۰.

۵. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۷۰.

۶. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۴.

۷. المجموع، ج ۸، ص ۳۱۸.

۸. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۵۱؛ سنن النسائی، ج ۲، ص ۳۵۸.

۹. النهایه، ص ۲۸۱؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۳۷.

۱۰. کشف اللغاب، ج ۵، ص ۳۱۳-۳۱۴؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۴-۱۰۵.

۱۱. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹-۳۷۰؛ التهذیب، ج ۵، ص ۴۲۲.

۱۳. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۶۲.

۱۴. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۴۲؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۶؛ مستمسک العروه، ج ۱۱، ص ۳۸۴.

تحلل محصور، حتی در فرض اشتراط نکردن، سخن گفته است.^۱

بسیاری از فقیهان اهل سنت نیز بر این باورند که محرمی که شرط کرده، در صورت پیش آمدن مانع برای ادامه مناسک، از احرام بیرون می‌شود، خواه مانع، بیماری باشد و خواه دشمن یا چیز دیگر.^۲ پشتوانه آن‌ها روایت ضباعه است که به فرمان پیامبر ﷺ اجازه یافت به سبب وجود مانع از احرام بیرون شود.^۳ ولی از ابن عمر گزارش شده که محرم بیمار حق تحلل ندارد تا آن‌گاه که خانه خدا را طواف کند.^۴ شماری از فقیهان اهل سنت این سخن ابن عمر را عام و شامل صورتی نیز می‌دانند که محرم اشتراط کرده باشد.^۵ ابوحنیفه نیز با این استدلال که تحلل برای هر محصوری مجاز است، این فایده را برای اشتراط نپذیرفته است.^۶

۲. ساقط شدن قربانی: به باور بسیاری از فقیهان امامی، اثر دیگر اشتراط آن است که قربانی کردن از عهده فرد محبوس برداشته

می‌شود.^۷ پشتوانه آن‌ها، حدیث‌هایی است که از جواز تحلل محرم از احرام در شرایط ویژه سخن گفته، بدون آن که از ضرورت قربانی سخنی به میان آمده باشد.^۸ افزون بر روایات، برخی به اجماع نیز استناد کرده‌اند.^۹ ولی شماری از فقیهان امامی، قربانی را در فرض اشتراط ساقط ندانسته‌اند. دلیل آنان آیه ۱۹۶ بقره/۲ است که قربانی را به گونه مطلق بر فرد مُحَصَّر واجب شمرده است: ﴿فَإِنْ أَحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾. منتقدان این دیدگاه، پاسخ داده‌اند که وجوب قربانی در آیه مربوط به افرادی است که اشتراط نکرده‌اند.^{۱۱} البته این اختلاف تنها در صورتی است که احرام گزار قربانی همراه نداشته باشد؛ زیرا به اتفاق فقیهان امامی، وجوب قربانی از عهده کسی که آن را همراه خود آورده باشد، با اشتراط نیز ساقط نمی‌شود.^{۱۲}

در فقه اهل سنت نیز در این زمینه دیدگاه‌های گوناگون در میان است. بسیاری از فقیهان اهل سنت گفته‌اند: در صورت اشتراط

۷. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۵۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۸۹؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۲-۱۰۳.
 ۸. الکافی، ج ۴، ص ۳۶۹؛ التهذیب، ج ۵، ص ۸۱، ۴۶۴.
 ۹. نک: ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۸۴؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۲.
 ۱۰. الخلاف، ج ۲، ص ۳۳۱؛ نک: السرائر، ج ۱، ص ۵۳۳؛ مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۶۶.
 ۱۱. الانتصار، ص ۲۵۹؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۸۹.
 ۱۲. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۴۳؛ نک: مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۹۰؛ ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۵۸۴.

۱. نک: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۵۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۷۳.
 ۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۴۳؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۱۰-۳۱۱؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۷۵.
 ۳. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۲۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۶.
 ۴. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۲۱۹؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۰۹.
 ۵. المجموع، ج ۸، ص ۳۰۹.
 ۶. نک: المغنی، ج ۳، ص ۲۴۴.

تحلل کرده، نفی نموده است.^۷ در برابر، بیشتر فقیهان امامی اشتراط را مایه سقوط وجوب حج در سال دیگر ندانسته‌اند.^۸ پشتوانه این گروه نیز حدیث‌هایی از امام صادق علیه السلام است.^۹ پیروان این نظر، حدیث‌هایی را که در آن‌ها از سقوط حج در صورت اشتراط یاد شده، از جمله حدیث امام باقر علیه السلام، اشاره به حج استحبابی دانسته‌اند.^{۱۰} شماری از فقیهان به پشتوانه روایت‌های معتبر دلالت‌گر بر هر یک از این دو دیدگاه، آن‌ها را متعارض و ساقط از حجیت دانسته و بر پایه ادله عام وجوب حج، قضای حج را واجب شمرده‌اند.^{۱۱}

شماری از فقیهان اهل سنت نیز به گونه مطلق گفته‌اند: محرم اشتراط‌کننده، در صورت پیش آمدن مانع، از احرام بیرون می‌شود و تکلیفی ندارد.^{۱۲} شماری از آن‌ها بر واجب نبودن قضا بر چنین احرام‌گزاری تصریح کرده‌اند.^{۱۳} به باور شافعی، سقوط قضا وابسته به موردی است که حجة الاسلام بر عهده مکلف نباشد؛ و گر نه، گزاردن حج واجب است.^{۱۴}

احرام‌گزاری که به مانع دچار شده، برای بیرون رفتن از احرام، قربانی بر او واجب نیست^۱، مگر آن که همراه خود قربانی آورده باشد.^۲ شماری دیگر بر آنند که برای محصور مطلقاً قربانی لازم است، خواه اشتراط تحلل کرده باشد و خواه نکرده باشد.^۳ شماری از آنان در این مسئله به تفصیل گراییده و گفته‌اند: اگر در آغاز احرام، تحلل با قربانی کردن را شرط کرده باشد، برای بیرون رفتن از احرام، قربانی لازم است؛ ولی اگر تحلل بدون قربانی یا تحلل به گونه مطلق را شرط کرده باشد، قربانی کردن لازم نیست.^۴ به ابوحنیفه نسبت داده‌اند که اشتراط محصور را مایه سقوط قربانی از او دانسته است.^۵

۳۷. ساقط شدن قضای حج: به باور

شماری از فقیهان امامی، فایده دیگر اشتراط، سقوط وجوب قضای حج در سال آینده است.^۶ پشتوانه آنان، حدیثی از امام باقر علیه السلام است که وجوب اعاده حج را برای کسی که از اعمال حج بازمانده، ولی پیشتر اشتراط

۱. المعنی، ج ۲، ص ۲۴۳؛ روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۴۵؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۷۵.
 ۲. کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۷۵.
 ۳. نک: بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۷۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۳۱۱.
 ۴. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۴۴۶.
 ۵. نک: المعنی، ج ۳، ص ۲۴۴.
 ۶. التهذیب، ج ۵، ص ۲۹۵؛ الدرر، ج ۱، ص ۳۵۱؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۹۰.

۷. التهذیب، ج ۵، ص ۲۹۶.
 ۸. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۶۸۰؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۶.
 ۹. نک: التهذیب، ج ۵، ص ۸۱؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۱۶۹.
 ۱۰. منتهی المطلب، ج ۱، ص ۳۵۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۶.
 ۱۱. کتاب الحج، ج ۲، ص ۵۱۹.
 ۱۲. کشاف القناع، ج ۲، ص ۴۷۵.
 ۱۳. المعنی، ج ۳، ص ۳۷۷؛ کشاف القناع، ج ۲، ص ۶۱۳.
 ۱۴. الام، ج ۲، ص ۱۷۲.

۴. **استحقاق پاداش:** اثر اخروی اشتراط، استحقاق پاداش برای احرام گزار است.^۱ شماری از فقیهان با مردود شمردن دیگر آثار یاد شده برای اشتراط، تنها فایده آن را همین اثر دانسته‌اند.^۲ دلیل آن‌ها بر مردود بودن دیگر آثار، حدیث‌هایی^۳ است که به تحلل احرام گزار در صورت احصار و صدق، حتی در فرض نبود اشتراط، تصریح کرده است.^۴ مخالفان این دیدگاه، حدیث‌های یاد شده را از جهت سند یا دلالت ضعیف شمرده‌اند و بر آنند که از آن‌ها بی‌اثر بودن اشتراط فهمیده نمی‌شود.^۵

◀ منابع

الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق؛ الانتصار: السید المرتضی (م. ۴۳۶ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ ق.)، پاکستان، المكتبة الحبییه، ۱۴۰۹ ق؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق؛ التاریخ الكبير: البخاری

۱. مسالك الافهام، ج ۲، ص ۲۴۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۹۱؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۱۰۶.
۲. کتاب الحج، ج ۲، ص ۵۱۹.
۳. کافی، ج ۴، ص ۳۳۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۵۷.
۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۶۶۲-۶۶۳.
۵. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۹۲؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۲۵۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۶۹.

(م. ۲۵۶ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق؛ تحریر الاحکام الشرعیه: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، به کوشش بهادری، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ ق؛ تذکرة الفقهاء: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ ق.)، قم، آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۱ ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ حاشیة رد المحتار: ابن عابدین (م. ۱۲۵۲ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ ق؛ الحدائق الناضرة: یوسف البحرانی (م. ۱۱۸۶ ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش؛ الخلاف: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۷ ق؛ الدروس الشرعیه: الشهدی الاول (م. ۷۸۶ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق؛ ذخیرة المعاد: محمد باقر السبزواری (م. ۱۰۹۰ ق.)، آل البيت علیهم السلام؛ الروضة البهیة: الشهدی الثاني (م. ۹۶۵ ق.)، به کوشش کلاتر، قم، داوری، ۱۴۱۰ ق؛ روضة الطالبین: النووی (م. ۷۶۶ ق.)، به کوشش عادل احمد و علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ ریاض المسائل: سید علی الطباطبائی (م. ۱۲۳۱ ق.)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۸ ق؛ سبیل السلام: الکلانی (م. ۱۱۸۲ ق.)، مصر، مصطفی البانی، ۱۳۷۹ ق؛ السرائر: ابن ادریس (م. ۵۹۸ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق؛ سنن ابی داود: السجستانی (م. ۲۷۵ ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، دار الفکر؛ سنن الدارمی: الدارمی (م. ۲۵۵ ق.)، احیاء السنة النبویه؛ السنن الكبرى: البیهقی (م. ۴۵۸ ق.)، بیروت، دار الفکر؛ سنن النسائی: النسائی (م. ۳۰۳ ق.)، به کوشش عبدالغفار و سید کسروی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق؛ صحیح البخاری:

آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۵ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بيروت، دار صادر؛ مسند الشافعي: الشافعي (م. ۲۰۴ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ مغنى المحتاج: محمد الشربيني (م. ۹۷۷ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۳۷۷ق؛ المغنى: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية؛ من لا يحضره الفقيه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به كوشش غفارى، قم، نشر اسلامى، ۱۴۰۴ق؛ منتهى المطلب: العلامة الحلى (م. ۷۲۶ق.)، مشهد، آستان قدس رضوى، ۱۴۱۲ق؛ مواهب الجليل: الخطاب الرعيني (م. ۹۵۴ق.)، به كوشش زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۶ق؛ الموطأ: مالك بن انس (م. ۱۷۹ق.)، به كوشش محمد فؤاد، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۶ق؛ النهايه: الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۰ق؛ نيل الاوطار: الشوكاني (م. ۱۲۵۵ق.)، بيروت، دار الجيل، ۱۹۷۳م؛ وسائل الشيعه: الحر العاملى (م. ۱۱۰۴ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۲ق.

سيد جعفر صادقى فدكى



اشراف حسنى: اميران مكه مكرمه از

نسل امام حسن مجتبى عليه السلام از نيمه دوم

قرن چهارم ق. تا تسلط آل سعود

اشراف و شرفا جمع شريف به معنای برتر، والانسب و بلند مرتبه است و به رؤسا و افراد با نفوذ هر قوم نیز گفته مى شود.^۱ در اصطلاح،

بخارى (م. ۲۵۶ق.)، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۱ق؛ صحيح مسلم بشرح النووى: النووى (م. ۶۷۶ق.)، بيروت، دار الكتاب العربى، ۱۴۰۷ق؛ صحيح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بيروت، دار الفكر؛ العروة الوثقى: سيد محمد كاظم يزدي (م. ۱۳۳۷ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۲۰ق؛ عمدة القارى: العينى (م. ۸۵۵ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافعى (م. ۲۳ق.)، دار الفكر؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ كتاب الحج: محاضرات الخوئى (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلالى، قم، مدرسة دار العلم، ۱۴۱۰ق؛ كشاف القناع: منصور البهوتى (م. ۱۰۵۱ق.)، به كوشش محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸ق؛ كشف اللثام: الفاضل الهندى (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ كنز العمال: المتقى الهندى (م. ۹۷۵ق.)، به كوشش صفوة السقا، بيروت، رساله، ۱۴۱۳ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ المبسوط فى فقه الاماميه: الطوسى (م. ۴۶۰ق.)، به كوشش يهودى، تهران، المكتبة المرتضويه؛ مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبيلي (م. ۹۹۳ق.)، به كوشش عراقى و ديگران، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ المجموع شرح المذهب: النووى (م. ۶۷۶ق.)، دار الفكر؛ مختلف الشيعه: العلامة الحلى (م. ۷۲۶ق.)، قم، نشر اسلامى، ۱۴۱۲ق؛ مدارك الاحكام: سيد محمد بن على الموسوى العاملى (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۰ق؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثانى (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامى، ۱۴۱۶ق؛ مستدرک الوسائل: النورى (م. ۳۲۰ق.)، بيروت، آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق؛ مستمسك العروة الوثقى: سيد محسن حكيم (م. ۱۳۹۰ق.)، قم، دار التفسير، ۱۴۱۶ق؛ مستند الشيعه: احمد التراقى (م. ۱۲۴۵ق.)، قم،

۱. لسان العرب، ج ۹، ص ۱۶۹، ۱۷۱، «شرف».